



## پیامبر(ص) به دنبال خشکاندن ریشه رنج‌های درونی انسان بود

ناصر مهدوی، با اشاره به نگرش پیامبر اکرم(ص) به زندگی و تلاشی که آن حضرت نسبت به تعلیم انسان داشت، گفت: پیامبر(ص) با رحمت خویش به دنبال زدودن رنج‌های درونی آدمی بود.

ناصر مهدوی، با اشاره به نگرش پیامبر اکرم(ص) به زندگی و تلاشی که آن حضرت نسبت به تعلیم انسان داشت، گفت: پیامبر(ص) با رحمت خویش به دنبال زدودن رنج‌های درونی آدمی بود.

به گزارش خبرنگار مهر، امروز ۱۷ ماه مبارک رمضان، سالروز معراج حضرت محمد (ص) است. پیامبر (ص) در شبی، از مکه مکرمه به مسجدالاقصی انتقال یافت و از آنجا به آسمان عروج کرد. حکایت معراج در احادیث شیعه و اهل سنت، به صورت متواتر آمده است. به همین مناسبت با دکتر ناصر مهدوی پژوهشگر حوزه دین به گفت و گو پرداختیم.

ناصر مهدوی در گفت وگو با خبرنگار مهر، با اشاره به ماهیت زندگی و رنج‌هایی بیهوده‌ای که انسان در طول حیات خود با آنها مواجه می‌شود، اظهار کرد: ممکن است ما انسان‌ها برای درمان رنج‌هایی که در زندگی با آنها رو به رو می‌شویم و البته از جهانی شاید این رنج‌ها طبیعی هم باشند روش‌های مختلفی را انتخاب کنیم. رنج امری اجتناب‌ناپذیر در این دنیا به شمار می‌رود اما پایدار نیست، در برهه‌ای از حیات احساس ناخوشایندی را تجربه می‌کنیم و در دوره‌ای دیگر خلاف آن پیش رویمان قرار گرفته و خشنود می‌شویم. این حالات در واقع متأثر از ماهیت این جهان است، جهانی که دائماً دستخوش تغییر است. بنابراین رویدادها یکی پس دیگری از راه می‌رسند و نظم اولیه زندگی انسان را بر هم می‌زنند.

پژوهشگر حوزه دین افزود: بر این اساس نمی‌شود جهان را به گونه‌ای سامان داد که این چنین نباشد. طبیعی است انسان در این چالش‌آفرینش با موانعی رو به رو شده و احساس شکست کرده و به تدریج نارضایتی را تجربه کند. این مسائل و اتفاقات همان رنج هستند و آدمی همواره کوشش می‌کند تا به نحوی از شر این رنج‌های ضروری و غیرضروری خارج شود.

وی با بیان اینکه بخشی از این رنج تحت سلطه، نفوذ، انتخاب و اراده ماست، تصریح کرد: این بدان معناست که ما به آن دلیل که درست انتخاب نمی‌کنیم، درست تشخیص نمی‌دهیم، با شتاب با مسائل رو به رو شده یا دلباخته چیزهایی می‌شویم که شایستگی‌اش را نداشتند در نتیجه با غم دست و پنجه نرم می‌کنیم در حالی که همه این اتفاقات را اگر ته به طور کامل اما حداقل بخشی از آن به دلیل نوع عملکرد خودمان است. همین‌گونه بود که بسیاری از فیلسوفان گذشته از دوران سقراط تاکنون کوشیدند این مهارت را به انسان بیاموزند که چگونه زندگی کند تا از رنج غیرضروری در امان بماند.

مهدوی گفت: من معتقدم که یکی از منابع یا امکانات بسیار بزرگی که بشر همواره در مسیر زندگی خود از آن برخوردار بوده است، حضور پیامبران در ادوار مختلف است. انبیای الهی پیام‌آور وحی خداوند بودند اما از یک جهت این پیام به دنبال آموزش روش صحیح درست زندگی کردن به انسان بود، تعلیم مهارت‌نحوه مواجهه با مسائل مختلف زندگی، به این معنا که باور و بینشی را تعلیم دهند که از صدقه سر این چنین باوری، دید گسترده و رحمانی انسان متبلور شده و بتواند به تلخ‌کامی‌ها غلبه کند.

وی ادامه داد: در این میان پیامبران در بالاترین تجربه معنوی قرار گرفته‌اند و می‌خواهند روح انسان را تلطیف کنند. معراج که برای پیامبر اسلام رخ داد تنها یک عروج روحانی نبود، بلکه والاترین جایگاه نبی بود، پیامبری که رحمت را برای مردم خواستار بود. در زندگی آنان مشارکت می‌کرد و همواره بی‌آنکه نسبت به فردی قضاوت داشته باشد، نخست سخاوت پیشه می‌کرد.

این پژوهشگر تصریح کرد: بنابراین پیامبر بودن در ساحت وجودی محمد (ص) ضلع برجسته‌ای یافت و آن ضلع همان حس شفقت و صمیمیتی است که در او وجود داشت. پیامبر اسلام، کسی بود که نمی‌توانست تحمل کند که امت‌اش غصه‌دار باشند. او خود را چون مردم می‌دانست چنانچه در آیه قرآن کریم نسبت به این مؤلفه چنین توصیفی ارائه شد: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ قَمَنَ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا».

وی گفت: پیامبر (ص) می‌خواست ریشه رنج‌های درونی انسان را بخشکاند و رنج درونی انسان چیزی نیست جز زمانی که او داوری خرد خود را تعطیل و چراغ عقل را خاموش می‌کند. نسبت به دیگران قضاوت ناحق می‌کند و بعدها متوجه می‌شود که چه اشتباهی مرتکب شده و از درون دچار آشفتگی می‌شود و گاهی تمام عمر خود را بابت یک قضاوت نادرست در تاریکی می‌گذراند؛ بنابراین دعوت به تعقل از سوی پیامبران یک نکته و پایه اصلی است. چنانچه خداوند در قرآن کریم بارها فرمود: «افلا يعقلون»، «افلا يتدبرون» و «اهل جهنم نیز در پاسخ به این پرسش که چرا به جهنم افتادید پاسخ می‌دهند: عقل و گوش

مهدوی با بیان اینکه پیامبران آمدند تا روی رنج دلبستگی های ما کار کنند، خاطر نشان کرد: هیچ عیبی ندارد که انسان از مواهب زندگی استفاده کند اما این مهم باید در جهت شکوفایی باشد. زندگی لذت صوری نیست بلکه داشتن خیال عالی، تصورات خوب و یک عقل نیرومند است.

نقش پیامبر (ص) در زندگی امروز ما چیست؟

وی گفت: پیامبر (ص) با نگاهی که از همه متفاوت تر بود می خواستند این چشم انسان را باز کنند و از سوی دیگر آدمی را از رنج وابستگی نجات دهد، به این معنا که اگر بر فرض مثال از ما تعریف کردند به اوج پرواز کنیم و اگر تکذیب مان کردند غمگین شویم. پیامبران آمدند تا به ما استقلال رأی دهند. حال باید بررسی کرد که با این محورها نقش پیامبر (ص) در زندگی امروز ما چیست؟ طبیعتاً او صرفاً برای آموزش احکام شرعی نیامد. او نقش درمانگر و طبیبی صمیمی را داشت. کسی که پیام هایش منجر به تحول روح و روان ما می شود. اگر منصفانه هم نگاه کنیم بزرگ ترین مشکل بشر رنج های روحی است. انسان به دلیل سستی درونی و وابستگی به دیگران زندگی خود را تباه می کند.

این محقق افزود: امروز ما به پیامبر عشق می ورزیم چرا که او طبیبی بود که بی مزد سراغ انسان آمد و با آموزه های خود انسان را به سوی آرامش درون فراخواند. دعوت پیامبر برای رهایی انسان است. پیامبران درمان گرانی هستند که رنج های غیرطبیعی را از بین می برند و در این بین حضرت محمد (ص) چنان شفقت داشت که به رحمة للعالمین شهره شد مطابق آیه قرآن کریم که فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».